نقش مادر در تربیت کودک

سید عصمت الله ملکوتی [*]

چکیده

امروزه، قلمرو تربیّت و عوامل اثرگذار بر آن، از مرزهای سنتی فراتر رفته است؛ و افزون برخانواده،عناصر دیگری از جمله رسانه، مدرسه، روابط اجتماعی و مانند آن برکودکان اثر فراوانی بر جا می‌گذارند. دامان مادر هم چون سرزمین حاصل خیزی است که کودکان هم چون گل‌های شادابی در آن می رویند. مادر اثرگذارترین نقش را در شکل دهی شخصیت کودک ایفا می‌کند، این نقش چنان گسترده و حیاتی است که حتی پیش از تولد کودک را نیز در بر می‌گیرد. در اهمیّت این مطلب، همین بس که دوران کودکی، مهمترین مرحله رشد کودک به شمار می رود که مادر در آن، نقش اساسی‌دارد. روان شناسان بر این باورند که کودکی، مهمترین مرحله یا تنها مرحله شکل گیری شخصیت است و مادر اثرگذار ترین عامل در این فرایند است.

در زمینه تربیت کودک، کتاب های بسیاری، با رویکردهای متفاوتی نوشته شده است، با این‌حال، هیچ یک از آنها به طور مستقل به بررسی نقش مادر در تربیت کودک نپرداخته و درباره این موضوع چنان‌که باید، تحقیق نکرده اند،البته در کنار سایر عوامل اثرگذار، از نقش مادر نیز سخن به میان آمده است، ولی درباره ابعاد این موضوع به طور مستقل بحث نشده است.

این نوشتار، می‌کوشد با توجه به یافته های علمی وآموزه های دینی، نقش مادر در تربیت کودک را در ابعاد و ساحت‌های مختلف(جسمانی، عاطفی، اخلاقی، دینی، عقلانی، اجتماعی) مورد بررسی قرار دهد.

واژگان کلیدي: نقش، مادر، تربیت، کودک

مفهوم شناسی

برای روشن شدن عنوان بحث، لازم است واژه های کلیدی به کار رفته در این مقاله، که عبارتند از: نقش و تربیت مورد بررسی قرار گیرد.

نقش؛ در زبان فارسی در معنای صورت و تصویر به کار رفته است. «نقشه» واژه‌ای است که از نقش مشتق شده و به معنای یک تصویر است.(معین، ۱۳۷۱) اما امروزه این واژه در این معناکمتر به‌کار می‌رود. معنای دیگر این واژه عبارت است از:«مجموعه اعمال و اخلاق یک شخص‌که توسط هنر پیشه‌ای در صحنه نمایش داده شود.

[*] دانشجوی دوره دکتری قرآن و علوم تربیتی

مثلاً گفته می شود فلان هنرپیشه در نقش فلان نفر خوب بازی می‌کند. این معنی مستحدث است و در ترجمه «رل»فرانسوی به کار می‌رود».(همان)

در جامعه شناسی مراد از نقش در اصطلاح نقش‌های اجتماعی[1]«رفتارهای مورد انتظار جامعه اندکه پیرامون یک وضع اجتماعی[2]جای دارند».(ساروخانی، ۱۳۷۰،ص۷۲۳)

امروزه این واژه در زبان فارسی تحت تاثیر معنای«رول[3] »و«سوسیال رول[4] »بیشتر در معنای رفتار و تاثیر بالفعل یا مورد نظر به‌کار می‌رود.

نقش مادر؛ بنابراین نقش مادر، همیشه تابع رفتار مادر است. نقش مادر در زبان فارسی‌دو معنا دارد:

۱- رفتارهای مورد انتظار و رفتارهای بالفعل. رفتار مورد انتظار(نقشهای مورد انتظار)رفتاری است که مادر باید انجام دهد، تا تربیت به هدف خود برسد؛ به عبارت دیگر، نقش‌های مورد انتظار، لازمه موقعیت مادر در خانواده است.

۲- رفتارهای بالفعل (نقشهای بالفعل)رفتارهایی است که مادر در حال حاضر در قبال خانواده خودش به ویژه کودکانش

تربیت؛ برای واژه تربیت تعاریف متعددی با رویکردهای مختلف ذکر شده است؛ بعضی با رویکرد توصیفی تربیت را تعریف نموده‌اند و بعضی دیگر رویکرد آرمانی داشته‌اند.بعضی به گونه‌ای تعریف نموده‌اند که تنها تربیت رسمی در قالب نظام آموزش و پرورش را در برگیرد. بعضی دیگر، تعریف دیگر آورده‌اند که شامل تربیت رسمی و غیر رسمی می شود، که از آن جمله تعریف ذیل است: «تربیت عبارت است از: مجموعه اعمال یا تاثیرات عمدی و هدفدار یک انسان(مربّی)بر انسان دیگر(متربّی) به ویژه عمل یا تاثیر افراد بالغ و مجرّب بر کودک و نوجوان، به منظور ایجاد صفات(اخلاقی و عملی)یا مهارتهای حرفه‌ای.(دفتر همکاری حوزه و دانشگاه،۱۳۷۲،ص۳۶۶)

این تعریف، افزون بر تربیت رسمی، تربیت غیررسمی را نیز شامل می‌شود که منظور ما در این مقاله از واژه تربیت، همین معنای عام آن است که شامل هر نوع تاثیر پذیری و تاثیرگذاری هدفمند وآگاهانه است.

نقش مادر در ساحت های مختلف تربیتی

برجسته ترین نقش مادر در محیط خانه و جامعه نقش تربیتی است. اهمیت این نقش از آنجا آشکار می‌شود که کودک نخستین بار درآغوش مادر قرار می‌گیرد و بیشتر وقت خود را درخانه و با مادر سپری می‌کند و

---

[1] Socialroles

[2] SocialPosition

[3] Role

[4] Social Roles

آداب و رسوم اجتماعی را از وی می‌آموزد، کودک شیوه رفتار با دیگران و چگونگی برخورد با آنان را از مادر می‌آموزد.

چگونگی رفتار مادر با کودک در شکل‌دهی ساختار شخصیتی اوآثار مهمی دارد.از این رو،کارشناسان مسائل تربیتی، همواره بر نقش مادر در تربیت فرزند در ساحت‌های مختلف تربیتی(جسمانی، عاطفی، اخلاقی، دینی و...)تاکید داشته و دارند.(احسانی،۱۳۸۷)با توجه به نقش مهم تربیتی مادر به برخی از نقش‌های وی که در پرورش کودک موثر است، می پردازیم.

تربیت جسمانی کودک

در احادیث وروایات اسلامی، وجود فرزند وکودک به«گُل»تشبیه شده است. پیامبر اسلام(ص) فرمود:«الولد الصالح ریحانهٔ من الریاحین الجنهٔ» فرزند صالح،گُلی است از گل های بهشت.(حر عاملی، ۱۴۲ق،ج۱۵،ص۹۷)

وجه تشابه کودک به گُل این است که کودک، در سال‌های نخست زندگی به ویژه دوران نوزادی همانند گُلِ بهاری، جسمی لطیف و نازک و روحی باطراوت دارد، از این رو، به شدت به حفظ و نگهداری نیازمنداست و اگر از او مراقبت نشود، گُل وجودش به پژمردگی و زردی خواهد گرایید.

تنها کسی که می تواند به نیازهای جسمانی کودک پاسخ مناسبی‌دهد، مادر است؛ زیرا مادر، به شرایط زیستی کودک بیش از هرکس دیگری آشناتر است. نگهداری و پرورش بچه به ویژه در سال‌های نخست زندگی، کاری است بس مشکل و طاقت فرسا که تنها با مهر مادری امکان پذیر خواهد بود. تربیت جسمانی کودک از دیگر جنبه های تربیتی وی کم اهمیت تر نیست؛زیرا به فرموده حکیم یونان«عقل سالم در بدن سالم است».(علی اکبر شعاری، ۱۳۷۲،ص۱۹۳)اگر بدن انسان سالم نباشد و جسم به طور طبیعی و کافی رشد نکند، فرد از نظر روحی و روانی،سالم نخواهد بود.

نقش شیر مادر در تربیت جسمانی کودک

شیر مادر، مفید ترین غذا برای کودک است و مادر نباید بدون دلیل، نوزاد را از این نعمت خدایی محروم کند. درمتون دینی، دستورهای بسیاری درباره تغذیه از شیر مادر وارد شده است که کمّیت و کیفیّت آن را به خوبی بیان می کند.

در قرآن کریم [بقره /۲۳۳] طول دوره تغذیه کودک از شیر مادر، دوسال تمام تعیین شده است و مادر موظف است کودکش را دوسال کامل شیردهد؛ در غیر این صورت، به کودک زیان رسانده است. در روایتی از امام صادق(ع)حد اقل دوره شیردهی، چیزی کمتر از دو سال بیان شده است. حضرت می فرماید:«الرضاع واحد و عشرون شهرا فما نقص فهو جور علی الصبی». دوره شیردهی(۲۱)بیست و یک ماه است و کمتر از آن، ستم به کودک است (حر عاملی،ق۱۴۱۲، ج۱۵،ص۱۷۸)

برخی از اندیشمندان دینی براین باورند که مادر باید دوسال تمام کودک را شیر دهد. بررسی‌های دقیق در سال‌های اخیر نشان داده‌اند که نوزادان با خوردن آغوز(مایعی‌که در بدو تولد از پستان مادر خارج می شود) و شیر در برابر انواعی از عفونت‌ها مصونیت پیدا می کنند.(بنیامین اسپاک، ۱۳۸۳،ص۵۳)

نوزادانی که شیر مادر می خورند نسبت به کودکانی که شیر خشک می‌خورند ناراحتی گوارشی کمتری پیدا می‌کنند. یک امتیاز شیر مادر این است که همیشه خالص و پاک است و نوزاد به عفونت روده‌ای مبتلا نمی-شود.امتیاز دیگر شیر مادر که کمتر به آن اشاره می‌شود، ارضاء غریزه مکیدن کودک است با تغذیه از پستان مادر، نوزاد می تواند تا جایی که احساس نیاز می‌کند این غریزه را ارضاء کند. به همین علت، کودکانی که با شیر مادر تغذیه می‌شوند، کمتر از سایر بچه ها، انگشت خود را می‌مکند.(همان) شیر مادر، از لحاظ ترکیبات، از هر شیر دیگری بهتر است و حاوی موادی است که برای رشد و سلامت کودک مناسب است. حضرت امام رضا(ع)می فرماید:«لیس للصبی خیر من لبن امه» هیچ غذایی برای کودک بهتر از شیر مادرش نیست (حر عاملی، ق۱۴۱۲،ج۱۵،ص۱۷۵)

از مهم ترین مزیت‌های شیر مادر، مطمئن بودن آن است. بیماری پذیری کودکانی که از شیر مادر تغذیه می-شوند، سه برابر کمتر از کودکانی است که از شیر مصنوعی استفاده می کنند.(بنیامین اسپاک، ۱۳۸۳، ص۵۳) آمار «سازمان بهداشت جهانی» در سال۱۹۷۱نشان داد که مرگ و میر کودکانی که با شیر مصنوعی تغذیه می شوند، شش برابر کودکانی است که از شیر مادر تغذیه می‌کنند.

بنابراین، بی جهت نیست که در روایات اسلامی این همه پاداش‌های عظیم برای زن شیرده در نظر گرفته شده است و مادران برای شیردادن نوزادان و کودکان شان این همه تشویق شده‌اند.در روایتی امام صادق علیه السلام از پیامبر گرامی اسلام (ص) نقل می فرمایند: «فاذا ارضعت کان لها بکل مصه کعدل عتق محرر من ولد اسماعیل، فاذا فرغت من رضاعه ضرب ملک کریم علی جنبها و قال: استانفی العمل فقد غفرلک» هر گاه فرزند خود را شیر دهد، به هرمکیدن نوزاد، پاداشی به او دهند که برابر است با آزاد کردن بنده‌ای از فرزندان اسماعیل و هنگامی که از شیر دادن فارغ شود، فرشته بزرگواری بر پهلویش زند و گوید:اعمال خود را از سر بگیرکه خداوند تو را آمرزیده است. ».(حر عاملی،ق ۱۴۱۲،ج ۱۵،ص۱۷۵)

در روایت دیگری، رسول خدا(ص)چنین فرموده‌است:«فاذا وضعت حملها و اخذت فی رضاعه فما یمص الولد مصه من لبن امه الا کان بین یدیها نورا ساطعا یوم القیامه یعجب من رأها من الاولین و الآخرین، وکتبت صائمهٔ قائمهٔ...فاذا فطمت ولدها، قال الحق جل ذکره:قد غفرت لک ما تقدم من الذنوب، فاستانفی‌العمل.» پس آن گاه که مادر وضع حمل کرده و شروع به شیر دادن نوزاد کند، به هر بارمکیدن شیر مادر، در روز قیامت نوری درخشانی در برابرش جلوه کند و هرکس از گذشتگان و آیندگان آن را مشاهده کند به شگفتی درآید و در نامه عملش روزه دار، شب زنده دار ثبت گردد. پس اگر فرزندش را از شیرگرفت، خدای متعال به او فرماید: ای‌زن! بدان که تمام گناهانت را آمرزیدم، پس عمل خود را از سر بگیر».(مستدرک الوسائل، ج۱۵، ص۱۵۶)

امام صادق(ع)به نقل از امیر مومنان(ع) فرمود: «ما من لبن رضع به الصبی اعظم برکهٔ علیه من لبن امه.» هیچ شیری برای تغذیه نوزاد با برکت تر از شیر مادرش نیست. (حرعاملی، ق۱۴۱۲، ج۱۵، ص۱۷۵۹)

مکیدن شیر از پستان مادر، باعث رضایت خاطر مادر و کودک است؛ نوزاد برای خارج ساختن شیر از پستان مادر، باید شیر را با همه توانش بمکد، در نتیجه، شیر با بزاق دهان آغشته می شود و هضم آن بسیار ساده می-گردد. در زمان شیر خوردن کودک درآغوش مادر قرارگرفته و صدای قلب او را می شنود، احساس آرامش و امنیت می کند. بنابراین، شیر مادر، برای رشد و سلامت جسمانی کودک از هر غذای دیگر بهتر و مفیدتر است.

نقش مادر درتغذیه سالم کودک

رشد و سلامت جسمانی کودکان، با تغذیه سالم ارتباط مستقیم دارد. تغذیه نه تنها بر رشد جسمی و ظاهر انسان تاثیر می گذارد، بلکه برنحوه احساس و برداشت او از محیط وجهان و خلق و خو و رفتار انسان نیز موثر می‌افتد. اهمیّت وجود برخی مواد برای بدن به ویژه ویتامین‌ها، معدنی‌ها و پروتئین‌ها، آن اندازه ضروری است که کمبود آنها می‌تواند رفتار انسان را دگرگون سازد. برخی از این مواد در تشکیل، تغذیه و ترمیم سلول‌های مغز دخالت دارند و بر این اساس می توان برخی از نارسایی‌های عصبی و روانی و جسمانی انسان را از راه تغذیه مناسب، درمان کرد.

تغذیه کامل و کافی، باعث شادی و تندرستی است، بر طول عمر مفید انسان می‌افزاید، ناتوانی و بیماری را کاهش می دهد، زندگی را در نظر انسان خوشایند، سعادت آمیز و رضایت بخش جلوه می‌دهد و از پیری زودرس پیش‌گیری می کند، به عکس، سوء تغذیه عامل اصلی مرگ و میرها است و بیشتر قربانیان خود را از میان کودکان می گیرد.(بنیامین اسپاک، ۱۳۸۳، ص۴۹)

کارشناسان علوم تغذیه، گام‌های نوینی در راه شناخت تاثیر تغذیه بر سلامت و بیماری انسان، به ویژه در مراحل رشد برداشته اند، بسیاری از آشفتگی‌ها و نارسایی‌های جسمی و روانی کودکان با تغذیه سالم برطرف می‌شود و نکته آشکار این است که تغذیه سالم، در مرحله حساس نخستین سال‌های زندگی و رشد کودک، اهمیت اساسی دارد.

توجه به ارزش های غذایی مناسب برای کودکان در مراحل رشد، بهداشت غذا، عادت های غذایی سالم و آشنایی با برنامه های تهیه انواع غذاها ضرورت خود را نشان می دهد، که در اینجا نیز بار دیگر، نقش مادر مطرح می‌شود.او که از آغاز با کودک همراه بوده و طولانی ترین سفرها را با وی در پشت سرداشته است، در این‌جا نیز بهتر از هر کس می‌تواند ذوق و سلیقه او را بشناسد و با رعایت نکته های بهداشتی و توجه به مرحله رشد کودک، و نیز با در نظر داشتن امکانات جامعه و توانایی‌های خانواده، کوتاه‌ترین فاصله ها را برای تغذیه سالم، کافی و مناسب کودک طی کند. با تغذیه سالم و درست کودکان، می توان از سوء تغذیه آن‌ها جلوگیری کرد و رشد و سلامت جسمانی آنان را تامین نمود.(همان ، ص۵۳)

درآموزه های اسلامی، برای غذا افزون بر منافع جسمانی، آثار و پیامد های تربیتی- روانی بسیاری بیان شده است. از این رو، خدای متعال در قرآن کریم انسان را به دقت و تامّل در کیفیت غذایش را فرا می خواند: «فلینظر الانسان الی طعامه».(عبس،۲۴)انسان باید به غذای خویش با دقت بنگرد. تنها چیزی که بیشتر از همه توجه آدمی را به خود جلب می کند، غذایی است که برای ادامه زندگی خود از آن استفاده می‌کند و با یک دگرگونی فیزیکی- شیمیایی، جزو بافت وجودی انسان می‌شود. برهمین اساس، خداوند سفارش می کند به آن چیزی که به عنوان خوراکی استفاده می کنید، نیک بنگرید که چگونه تهیه شده و از چه راهی به دست آمده است؛ زیرا نوع غذا از نظر حلال و حرام بودن، اثار مهمّی در روح و جسم انسان می‌گذارد.(مکارم شیرازی، ۱۳۷۷،ج۲۶،ص۱۴۴)

امام سجاد(ع) در رساله الحقوق خود می‌فرماید: «و اما حق بطنک، فان لا تجعله وعاء القلیل من الحرام».حق شکمت بر تو این است که آنرا ظرفی برا ی کمترین غذای حرام قرار ندهی.(حرانی، ق۱۳۷۶) نکته‌ای که مادر در تغذیه کودک باید به آن توجه داشته باشد این است که، هدف از تغذیه تنها لذت بردن یا سیر شدن نیست بلکه هدف اصلی تغذیه تامین موادغذایی مورد نیاز بدن است تا کودک بتواند با سلامتی و شادابی به حیات خویش ادامه دهد.

نقش مادر در بهداشت جسمانی کودک

کودک، موجود ظریف و در برابر هجوم بیماری ها ضعیف است به طوری که توان دفاع از خود را ندارد؛ در معرض ابتلا به بیماری‌هایی واقع می‌شود که سلامت جسمانی و احیاناً ادامه حیات او را تهدید می‌کند. در این دوران کودک احتیاج به کسی دارد که جسم و جانش را از خطرات حفظ نماید. و در این مورد کسی بهتر از مادر نیست، چون مادر، چنین مسئولیتی را با تولد کودک پذیرفته است که در حفظ وسلامت او بکوشد و فردی سالم و نیرومند تحویل جامعه دهد.

برای حفظ سلامت و بهداشت کودک یکی از اموری که رعایت آن ضرورت دارد، نظافت کودک است. با رعایت نظافت و پاکیزگی، می توان از بسیاری بیماری‌های کودکان جلوگیری کرد، لذا مادر، همواره مراقب پاکیزگی کودک و محیط زندگی او باشد. پیامبر گرامی اسلام(ص) می‌فرماید:«اسلام دین پاکیزگی است، شما هم پاکیزه باشید، زیرا فقط پاکیزگان داخل بهشت می‌شوند.»(مجمع الزوائد، ج۵، ص۱۳۲)

بنابراین، پرورش صحیح جسم کودک و تامین سلامت او، و رعایت بهداشت و نظافت کودک، برای مادر یک وظیفه است که نمی‌تواند نسبت به آن بی تفاوت باشد.

تربیت عاطفی کودک

مادر از نظر روانی و عاطفی، سرشار از محبت و صمیمیّت است. وی به سبب ساختار وجودی‌اش، قدرت جذب و توان بالایی در ابراز احساسات و عواطف دارد. حال اگر از این توان، درست و به جا استفاده شود، در تحکیم پیوند خانوادگی و چگونگی شکل گیری روابط اجتماعی و تربیت کودکان نقش سازنده‌ای خواهد

داشت. یکی از جنبه های مهم نقش تربیتی مادر، نقش وی در پرورش عواطف کودک است که آثار آن در رفتار وی به خوبی نمایان می گردد.

بخش مهمّی از وظیفه و مسئولیت مادر نسبت به کودک را پرورش و تقویت عواطف انسانی، درک و هدایت احساسات آن تشکیل می‌دهد؛ و این جز در سایه مراقبتِ دائمی، تماس و ارتباطی سرشار از مِهر و محبت و عنایت لبریز از عاطفه و احساس میسّر نخواهد گردید، این دست نوازشگر و پر مهر مادر بر سر کودک است که از او انسانی متعادل، دلسوز و عطوف می‌سازد.صدای قلب مادر از هر آهنگی برای کودک جذاب تر و دلنشین تر است.کودکی که به طور صحیح و به اندازه کافی از مهر و عطوفت مادر برخوردارگردد، دارای روانی شاد، روحی پرنشاط، ضمیرامیدوار و در طول حیات از آرامش و اعتدالی منطقی بهره مند خواهد بود.(اسماعیلی یزدی، ۱۳۸۲، ص۲۹۶)

مادر، می تواند با رعایت اصول و قوانین اسلامی، در سامان دهی امور خانواده و پرورش عاطفی فرزندان نقش مهمی ایفا کند، ویژگی عاطفی زنان، بستر مناسبی برای ایفای نقش مادری و تربیت کودکان است.

در روایات اسلامی نیز تاکید خاصی به پرورش بُعد عاطفی‌کودکان شده است. در روایتی از امام صادق(ع)که می‌فرماید:«ان الله لیرحم العبد لشده حبه لولده» به راستی خداوند بنده خود را به خاطر شدت علاقه و محبتش به فرزند خویش مورد ترحم قرار می دهد.(حر عاملی،ق۱۴۱۲، ج۱۵، ص۱۷۵). پیامبر گرامی اسلام(ص)می فرماید:«احبو الصبیان و ارحموهم...» فرزندان خود را دوست بدارید و برآنها ترحم کنید(همان، ج۲۱، ص۴۸۳).

رشد معنوی و تربیت اخلاقی، مستلزم پرورش سالم عواطف، هدایت صحیح احساسات آدمی است، عواطف انسانی آنگاه که از قدرت، سرعت و نشاط کافی برخوردار نباشد، و نیز احساسات تند و پرشور در صورتی که واقع بینانه و منطقی در مسیر هدایت نگردد،رشد و تربیّت طبعاً از جامعیت و کمال لازم برخوردار نخواهد گردید، بلکه در مواردی اصل حرکت با مخاطرات جدی مواجه خواهد شد.

تربیت اخلاقی کودک

مادر، مهم ترین و نخستین الگوی رفتاری و اخلاقی کودک است. چنان که هرکاری که انجام می‌دهد، در منش و شیوه رفتار او با دیگران اثر می گذارد. مادر با رفتار پسندیده خود، انسان می پروراند. کودک را از عالم ناپاکی‌ها، حسادت‌ها، کینه ها و صفات ناپسند اخلاقی دورمی‌سازد و محبت و خیراندیشی به هم نوع را می-آموزد. مادر سرچشمه فضیلت ها و خوبی هاست، وی می‌تواند درس تقوا و خدا ترسی به فرزند بیاموزد و از کودکی ضعیف و ناتوان، شخصیت بزرگ علمی و اخلاقی بسازد. (احسانی،۱۳۸۷،ص۴۱۹)

در مقابل، اگر مادر به وظیفه خویش عمل نکند و در برابر چشمان کودک، دست به رفتارهای نامناسب و ناشایست بزند، کودک از وی پیروی می کند و در نتیجه، آدمی پست و منحرف تربیت خواهد شد.

امام خمینی(قدس سره)در این باره می فرماید: «مادر خوب، بچه خوب تربیت می کند و خدای نخواسته اگر مادر منحرف باشد، بچه از همان دامن مادر منحرف بیرون می‌آید و چون بچه‌ها آن علاقه‌ای که به مادر دارند، به هیچ‌کس ندارند و در دامن مادرکه هستند تمام چیزهایی‌که دارند، آرزوهایی‌که دارند، خلاصه می شود در مادر و همه چیز را در مادر می بینند.»(جایگاه زن در اندیشه امام خمینی(ره)، ص۱۲۴)

خانه،اولین مدرسه تربیت اخلاقی است و مادر نخستین معلّم درآن مدرسه است. کودک به تدریج بر اساس مشاهدات روزمره، پایه های اخلاقی خود را پی ریزی می‌نماید.در محیط خانه، هرکودکی تعالیم خوب و بد را فراگرفته و زیر بنای اخلاقی اوگذاشته می‌شود. کودکی‌که در محیط خانه، با دروغ آشنا می‌شود، بدون شک دروغگویی را می‌آموزد. کودک همانند نهال تازه‌ای است هر طور به او تعلیم دهند، همان‌گونه تربیت می‌شود.

رفتار مادر در محیط خانه، هرچه باشد سرمشقی برای کودکان خواهد بود. زیرا کودکان به مادر خود علاقه دارند و براساس همین علاقه و پیوند، مادر را نمونه و سرمشق خود قرار داده، می‌کوشند رفتارشان را با رفتار مادر انطباق دهند.

براساس این اصل، است که پرورش اخلاقی کودکان در محیط خانه، به طور عملی صورت می‌گیرد. مادری که به تربیت اخلاقی فرزند خود علاقه مند است در درجه اول او باید بکوشد خود دارایی فضایل اخلاقی باشد تا فرزندان نیز، روحیات پسندیده او را تقلید کرده، جزء اخلاق و خوی خود قراردهند. با پند و اندرز نمی‌توان درستی و راستی و سایر صفات اخلاقی را که در محیط خانه کمتر مراعات می شود در آن‌ها بوجود آورد.

اسلام، مادران را در امر پرورش اخلاقی فرزندان خویش، مسئول می داند و یکی از وظایف اساسی و حساس آنها را، تربیت فرزند دانسته است. رسول گرامی اسلام درباره پرورش اخلاقی کودکان فرموده است:«ادبوا اولادکم فانکم مسئولون».یعنی فرزندان خود را تربیت نمائید که در برابر آنان، مسئولیت بس بزرگی‌دارید. آئین مقدس اسلام با تحکیم زیر بنای اخلاقی،کاخ سعادت و برتری در دنیا و آخرت را استوار می سازد.(رشیدپور، ۱۳۸۳، ص۶۴)

تربیت دینی کودک

هر انسانی با فطرت خداپرستی متولد می شود و خداوند صفت خداپرستی را در ذاتش قرار می‌دهد و با سرشتش می آمیزد.

رسول گرامی اسلام(ص) می‌فرماید:«کل مولود یولد علی الفطره» هر نوزادی بر فطرت خداپرستی متولد می-شود. (اصول کافی، ۱۳۷۲، ج۲،ص۱۳)پرورش این فطرت و سرشت پاک بر عهده والدین به ویژه مادر است که در بیدارسازی و جهت دهی و پرورش این ودیعه خدایی بکوشد و آنان را چنان را رهنمایی‌کنند که تمام شئون زندگی خویش را بر پایه تعالیم دین پی‌ریزی نمایند و با اعتقاد قلبی به آن رفتار کنند.

تربیت دینی از دیدگاه اسلام و قرآن، اهمیت بسیاری دارد و از آغاز زندگی، مادر می تواند با ایجاد فضای مناسب دینی و معنوی در محیط خانواده، زمینه را برای تربیت دینی کودک فراهم سازد. مادر، به عنوان کسی‌که

بیش از دیگران در محیط خانه باکودک به سر می‌برد، باید محیط خانه را به فضای دینی و معنوی تبدیل کند. اثر محیط زندگی بر رفتار انسان، به ویژه کودک بسیار مهم و سرنوشت ساز است.

نخستین مدرسه‌ای که کودک در آن آموزش می‌بیند، محیط خانه است و تمام عوامل موجود در آن محیط، بر روح و روان و رفتار وی اثر می گذارد و اساس روحیه دین پذیری وکسب فضائل اخلاقی و معنوی فرزند در محیط وکانون خانه شکل می گیرد.(مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ص۱۶۴)

عبادت ها و نیایش های مادر، نقش بسزایی در پرورش روحی و معنوی کودک دارد. اگر فضای حاکم بر زندگی کودک، فضای دینی و معنوی و پرستش و توجه به خدا باشد، بی تردید، کودک که در آن فضا رشد می کند، انسانی با ایمان و متدیّن خواهد بود. عبادت مادر در خانه، نوعی تمرین عملی و ارائه الگو به کودک است که ذهن آماده او را به خود جلب می کند و اثر آن سال‌ها در دل و ذهن او باقی خواهد ماند.

بنابراین، پرورش روح تعبد، یکی از امور مهمّی است که مادر آن را جزء برنامه تربیتی کودکان خود قرار دهد و آن ها را وظیفه شناس و متعهد و اهل عمل تربیت کند.

تربیت عقلانی کودک

عقل، از ابعاد مهم وجود انسان است که اگر شکوفا گردد، می تواند خوب را از بد و خیر را از شر تشخیص دهد و صاحبش را به سعادت و خوش بختی برساند. تربیت این بخش از نیروی درونی انسان، وظیفه اولیا و مربیان است که باید بدان توجه کنند و در درجه اول اهمیت قرار دهند.

مادر، در تربیت عقلانی و فکری کودکان و شکوفایی آن، همانند دیگر جنبه های تربیتی نقش به سزایی دارد. انتخاب و به‌کارگیری روش‌های مناسب، در شکوفا سازی نیروی اندیشه و تعقل کودکان، بسیار اثرگذار است.

اسلام، نسبت به عقل و پرورش تربیت عقلانی، عنایت خاصی دارد. حضرت امام صادق(ع) می‌فرماید:«العقل دلیل المومن» عقل راهنمای مومن می‌باشد.(حر عاملی، ۱۴۱۲ق، ج۱۳، ص۲۸۳)

رسول گرامی اسلام می فرماید: «استرشدوا العقل ترشدوا و لا تعصوه فتندموا.» از عقل راهنمایی بخواهید تا هدایت شوید و با عقل مخالفت نکنید که پشیمان می شوید. (همان، ص۲۸۴) تفکر و عاقبت اندیشی و واقع نگری کار عقل است لیکن در صورتی که به کار گرفته شود و در طریق صحیح قرارگیرد. عقل با تفکر صحیح می تواند واقعیات را کشف کند و سعادت و کمال واقعی انسان را تامین نماید.

کودک، جاهل به دنیا می‌آید ولی اگر نیکو رفتار و حال او مورد بررسی قرار داده شود به خوبی فهمیده و دریافت می شود که دشمن جهل است و می‌خواهد پرده جهل را پاره کرده و از برابر چشمان خویش بردارد، تلاش‌ها و کنجکاوی‌های مستمر کودک دلیل این مدعاست.کنجکاوی، دقت و سوال یکی از بهترین عوامل تقویت نیروی عقل است.کودکان به تدریج که رشد ونمو می کنند به کنجکاوی بیشتری می‌پردازند. آن‌ها در این راه کاشفان بزرگی هستند، در برابر هر مشکلی قد علم می کنند تا راه حل ها را بیابند راجع به هر موضوع

مجهولی سوال می کنند تا آن را بفهمند و بشناسند.آن قدر به کارخویش ادامه می دهد تا به مطلوب خود برسد، در این صورت تدریجاً عقل او تقویت و شکوفا می‌شود و برای فهم و درک امور بسیار مهم و دشوار آماده می-شود.

والدین در زمینه کنجکاوی کودکان، دارای مسئولیت بزرگی هستند. نه تنها نباید انگیزه جستجوگری را در کودکان خاموش کنند، بلکه باید موجباتی فراهم آورند که آنان بیش از پیش به کنجکاوی بپردازند و در این راه احساس لذت کنند، او را وادار کنند که با تلاش و کوشش خود جهان اطراف خود را بشناسند و از لطایف و اسرار آن سردر آورد و در برابر وقایع و حوادث و پدیده ها نیکو موضع بگیرد.

بنابراین، مادران باید به این نکته توجه داشته باشند که، روحیه کنجکاوی و جستجوگری درکودکان بهترین زمینه است برای این‌که قدرت اندیشه و توانایی فکر و شکوفایی عقل آنها را پایه ریزی نماید.

تربیت اجتماعی کودک

یکی دیگر از نقش های مادر در قبال کودکان خویش، این است که فرزند خود را به تدریج به زندگی اجتماعی آشنا سازد تا آنها بتوانند در مراحل حساس و خطیر با دیگران جوشیده، با دشواری‌ها و ناهمواری های اجتماعی سازگار باشند.

بنابراین؛ مادر، علاوه بر مسئولیت های اخلاقی و دینی، وظیفه سنگینِ دیگری دارد که عبارت از آشنا ساختن کودکان به راه و رسم زندگی اجتماعی است.کودکان همانند آب نهرهای باریک، همیشه نمی‌توانند مستقل وجداگانه باقی بمانند، ناگزیر روزی باید به دریای اجتماع وارد گردند، بدیهی‌است حفظ موجودیت در برابر امواج خروشان اجتماع احتیاج به نیرومندی و تجهیزات روحی دارد.

بدون شک، زندگی ارتباط با انسان‌های گوناگون است، و به طور مسلم برخورد و سازش با چهره های مختلف، توانایی و خصوصیات روحی و اخلاقی ویژه‌ای را می‌طلبد، که باید زیر بنای آن توسط مادر در خانواده پایه ریزی‌گردد.(رشیدپور، ۱۳۸۳، ص ۶۰)

کودکان تا زمانی که به زندگی اجتماعی قدم نگذارده‌اند و متن خارج زندگی را لمس ننموده‌اند نسبت به زندگی دارای دید رویایی می‌باشند تقریبا همانند خواب شیرینی که کودکان در عالم رویا می بینند جز شیرینی و لطافت چیزی دیگری به همراه ندارد.بسیاری از این کودکان با همین دید، وقتی قدم به زندگی اجتماعی می-گذارند با اولین برخورد با مشکلات زندگی ازکوره در رفته از خود وزندگی بیزار می گردند. ممکن است برخی از آنان دست به کارهای خطرناکی بزنند.(همان، ص ۶۱)

بنابراین، وظیفه خانواده و به ویژه مادر است که به تدریج در محیط خانه روحیات اجتماعی را درکودکان پرورش داده، آنان را با واقعیات جامعه آنگونه که هست آشنا سازد.

دین مبین اسلام، به تربیت و پرورش اجتماعی اهمیت زیادی قائل شده است. اسلام رُهبانیت و فرار از اجتماع را محکوم کرده و به زندگی در اجتماع اهتمام فراوان داشته است و اصولاً اجتماع مسلمانان را همانند تن واحد

قلمداد کرده هرگاه عضوی به درد آید سایر اعضا به کمک و یاری آن می شتابند.عبادات اجتماعی را ارزش فراوان تری قائل شده است مانند: نماز جماعت و نماز جمعه و حج را اهمیت بیشتری داده است و اصولاً در حدیثی، مسلمان بودن شخص، مشروط به اهتمام در امور مسلمانان دانسته شده است.

بنابراین، اسلام عالی ترین توجّه را به زندگی اجتماعی داشته و با قوانین و مقررات اجتماعی خودکوشیده است افراد اجتماع را همانند حلقه های زنجیر با یک‌دیگر مربوط ساخته قلب و روح آنان را نسبت به یک‌دیگر مهربان و باگذشت گرداند.

بنابراین، مادر باید توجه داشته باشد، همان طوری که زمینه های اخلاقی و دینی توسط پدر و مادر در محیط خانه پی ریزی می‌گردد، تربیت اجتماعی هم از آغاز کودکی باید در محیط خانه به تدریج پایه گذاری شود، تا به مرور زمان کودک بتواند خود را با شرایط زندگی اجتماعی مُنطبق سازد.

نتیجه گیری

همان گونه که بیان شد، مادر در تربیت کودک نقش اساسی دارد. نقش مادر، در تربیت و رشد جسمانی، پرورش و شکوفایی احساسات و عواطف انسانی، در رشد و بالندگی اخلاقی، در تحکیم ایمان و روحیه دین باوری، در شکفتن و پرورش عقلانی، در جامعه پذیری و سازگاری اجتماعی، و... کودک بی بدیل و غیرقابل انکار است.لذا، باید خانواده، جامعه، حکومت، و...زمینه هرچه بهتر این نقش آفرینی را فراهم نماید تا مادران بتوانند این مسئولیّت عظیم را که پرورش یک نسل سالم ، دارای عواطف انسانی، برخوردار از اخلاق اسلامی، پایبند به‌آموزه های دینی،متفکر و اندیشه ورز و سازگار با هنجارهای جامعه اسلامی هست، را به نحوه نیکویی ایفاء نمایند.

فهرست منابع

۱- قرآن کریم
۲- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی،۱۴۱۲ه ق.
۳- کلینی، احمد، اصول کافی، اسوه، چاپ دوم، ۱۳۷۲.
۴- معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱.
۵- اسماعیلی یزدی، عباس، فرهنگ تربیت، چاپ اول، قم، نشر امام علی(ع)، ۱۳۶۸.
۶- بهشتی، احمد، اسلام و تربیت کودکان، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۷۲.
۷- مظاهری، حسین، تربیت فرزند از نظر اسلام، چاپ ششم، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۶.
۸- مروجی طبسی، محمدجواد، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت، ویرایش دوم، چاپ سوم، قم،دفتر تبلیغات، ۱۳۸۳.
۹- امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، چاپ دوم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶.
۱۰- فلسفی، محمد تقی، کودک از نظر وراثت و تربیت، چاپ دوم، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹.
۱۱- احسانی، محمد، نقش مادران در تربیت دینی فرزندان، چاپ اول، قم، دفتر عقل، ۱۳۸۷.
۱۲- اسپاک، بنیامین، ترجمه: میرعابدینی، احمد، تغذیه و نگهداری کودک، تهران، چکامه، ۱۳۸۳.
۱۳- تهرانی، مصطفی، سیری در تربیت اسلامی، چاپ دوم، تهران، انتشارات دریا، ۱۳۸۵.
۱۴- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه،۱۳۷۷.

۱۵- ساروخانی، باقر، دائرةالمعارف علوم اجتماعی، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۰ .

۱۶- همکاری حوزه و دانشگاه دفتر، درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی، تهران، سمت، ۱۳۷۲ .

۱۷- نوری، حسین ابن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تحقیق مؤسسهٔ آل البیت (ع)، بیروت، مؤسسهٔآل البیت (ع)، ۱۴۰۸ ق .

۱۸- حرانی، حسن ابن شعبه، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق .

۱۹- رشید پور، مجید، تربیت کودک از دیدگاه اسلام، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، **۱۳۸۳** .